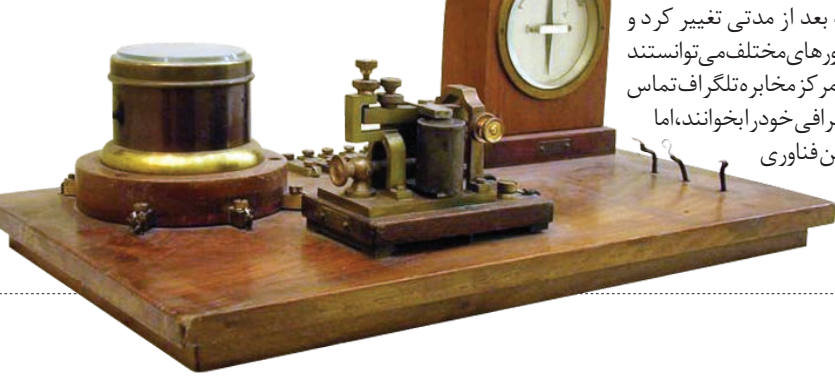


شبکه‌های ارتباطی مجازی، طوری به زندگی‌مان گره خورده‌اند که یادمان نمی‌آید قبل از آن‌ها چطور کاروبارمان را راه می‌انداختیم، یا آن سر دنیا ارتباط برقرار می‌کردیم و از اخبار اتفاقات جورواجور مطلع می‌شدیم. همین یک کف دست گوشی و سیم کارت دوسانتی متری‌اش، بُعد مسافت و اختلاف زمان را طوری بی‌معنی کرده‌اند که دنیا و روابطش به قبل و بعد آن‌ها تقسیم شده‌است. همین کار را، «تلگراف»، با زمانه‌ای انجام داد که پیشرفته‌ترین ابزار ارتباطی مردم، دود و طبل و چاپار بود. تلگراف، وسیله ساده‌ای که الان نوبت موزه‌ها باید پیدایشش کنند، در زمان خودش با چند تا «تق تق» و «خط» و «قطعه»، انقلابی در ارتباطات به‌وجود آورد که دامنه و وسعت‌اش تا عصر حاضر ادامه یافت و حتی ما را به نوعی مدیون خودش کرد. اگر اطلاعات‌تان از تلگراف، در حد چیزی است که توی فیلم و سریال‌های قدیمی دیده‌اید، پرونده امروز را بخواهید تابند اسرو کله این فناوری، کی‌واکجا پیدا شد؛ چطور و از چه زمانی وارد کشور ما شد؛ روابط و مناسبات زمان خودش را چطور تحت تأثیر قرار داد و راه‌های ارتباطی قبل و بعدش چه بود. در انتها هم چند پیام تلگرافی تاریخی و سرنوشت‌ساز بخواهید.



منسوب می‌کردند؛ مثل «ساندی تلگراف» و «دیلی تلگراف» تا به این ترتیب، سرعت انتشارشان در اخبار را هم به رخ کشند. نکته مهم آن که به رغم تغییر و تحول در سیستم تلگرافی، اصول آن در طول سال‌ها تغییری نکرد؛ تلگراف همان طور که گفتیم بر اساس قطع و وصل متناوب جریان برق و علاماتی که به صورت نقطه و خط روی نوار ضبط می‌شد، عمل می‌کرد؛ الفبای مورس در تلگراف بی‌سیم هم که امواج ادیوبی ناقل پیام بودند، استفاده می‌شد. بعدها در اختراع تلفن، رادیو و تلویزیون هم از سیستم عملکرد تلگراف الهام گرفته شد.

نیمه ابتدایی این قرن، کاهش زیادی پیدا کرد. با این همه تلگراف تا اوایل قرن بیستم، دوام آورد. در سال ۲۰۰۶، شرکت «وسترن یونیون» با سابقه ۱۵۵ سال فعالیت در زمینه تلگراف، آخرین پیام افرستاد و عصر تلگراف در آمریکا- زادگاه این وسیله ارتباطی- به پایان رسید.



از نفوذش کاسته شد. پیش از پایان جنگ و در شرایطی که پیروزی متفقین قطعی بود، گورینگ که عملاً همه سمت‌های خود را از دست داده بود، تلگراف مشهوری به هیتلر فرستاد. او در این تلگراف، از هیتلر خواست که استعفا کند و رهبری آلمان را به او بسپارد تا او بر سر شرایط تسلیم با متفقین مذاکره کند. هیتلر در پاسخ، تلگراف او را خیانتی آشکار دانست و او را از حزب اخراج کرد. یک هفته پس از دریافت این تلگراف، هیتلر خودکشی کرد. بعضی‌ها این تلگراف را در تصمیم‌نهایی هیتلر به خود کشی، مؤثر دانسته‌اند.

منابع: دنیای اقتصاد، روزنامه اطلاعات، موزه دانشگاه مهندسی برق، کتاب «در جست‌وجوی فهم درست روایت ۲۴ سال پژوهش ارتباطی در ایران»، فرادید، ایستا، خبرگزاری میراث فرهنگی، مجله خبری ویستا، سایت دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، سینتا، ایستکانوز، روزنامه ایران

درباره «تلگراف» و تأثیری که روی زندگی زمانه خودش گذاشت

آغاز عصر ارتباطات دور بُرد



فناوری تلگراف چه بود و چطور کار می‌کرد؟

شاهکار «مورس» و رفقا

وقتی از تلگراف حرف می‌زنیم، اولین چیزی که به ذهن‌مان می‌رسد، اسم «ساموئل مورس» و الفبای «مورس» معروفش است اما اختراعی نهایی تلگراف، از مسیر تلاش‌های چندساله آدم‌های زیادی می‌گذرد؛ مثل مهندس «کلود شاپ» فرانسوی که در تلگراف تصویری‌اش از سیستم «نشان بر» استفاده کرد؛ سیستمی، نظامی الفبایی بود که بر اساس علامت‌دهنده‌های چوبی کار می‌کرد و به مسیری از نشانه‌های دیداری برای ارتباط وابسته بود. اولین خط تلگراف بین دو شهر فرانسه را هم، همین آقای مهندس ساخت. غیر از این تلگراف بصری، نوع الکتریکی و شیمیایی تلگراف هم با تلاش‌های دانشمندان در جاهای مختلف دنیا، به کار برده می‌شده‌است؛ قرق‌ها و دیرک‌های چوبی و سیم‌های قرار گرفته در لوله‌های حاوی اسید، بعضی از سیستم‌های مورد استفاده در تلگراف‌های قدیمی- پیش از مورس- بودند. کندی و گرانی این روش‌ها اما باعث نمی‌شود اختراع شیوه ارتباط از راه دور اتمام و کمال به اسم مورس آمریکایی بز نیم. کار هم مورس که با همکاری



«آلفر دوپل» موفق به انجامش شد، ایجاد «کد» برای ارتباط و در واقع نوآوری در اختراع تلگراف بود. مورس ثابت کرد که سیگنال‌هایی توانند توسط سیم منتقل شوند و از پالس‌های جریان برق برای منحرف کردن مغناطیس الکتریکی استفاده کرد. اما دستگاه مورس دقیقاً چی بود و چطور کار می‌کرد؟ دستگاه تلگراف مورس شامل فرستنده، گیرنده و

کسانی که برای این کار انتخاب می‌شدند، معتمد دربار بودند. گزارش تلگرافچی‌ها به دربار که معمولاً محرمانه بود، تمام اتفاقات مهم رخ داده در شهرها را شامل می‌شد. مردم اما از این پدیده جدید و ناشناس، چندان استقبال نکردند. در کتاب «ایران در دوره سلطنت قاجار» در این باره آمده: «تا عوام الناس چیزی را باور نکنند به راحتی نمی‌توان این قضیه را در ذهن آنان آورد. برای همین «علی‌قلی خان مخبرالدوله»، وزیر تلگراف با اجازه سلطان صاحبقران اجازه داد تا چند روزی مردم مجانی پیام‌های خود را به شهرهای دیگر بفرستند. مردم که دیدند فرستادن پیام بر ایشان مجانی تمام می‌شود، کم‌کم برای فرستادن پیام‌های مجانی خود راهی تلگراف خانه شدند. آن‌ها فتند تا با پرسیدن سوالی و گرفتن جوابی، از دوستی در شهری دیگر، مطمئن شوند که تلگراف شعبده نیست. آن چه می‌نوشتند نیز حرف‌های شوخی و جدی و گاه احوال‌پرسی‌هایی بود که زیاد هم دانستن و ندانستن آن‌ها فرقی برای فرستندگان

تلگراف نداشت. دولت وقت، چند روزی را بر این منوال گذراند تا مردم به راحتی هر چه «حرف مفت» دارند بزنند که دیگر تلگراف را به شعبده‌و جادو مربوط نکنند. مخبرالدوله که خیالش از رفع این شبهه راحت شد، دستور داد جمله‌ای را بر سر در تلگراف خانه نوشتند به این مضمون: «از امروز به بعد حرف مفت قبول نمی‌شود». از آن روز به بعد هم مقرر شد تا برای هر کلمه مثلاً یک عباسی یا چیزی کمتر و بیشتر حق‌المخایره بگیرند. از همان زمان به بعد بود که «حرف مفت» زدن به عنوان حرکتی ناخوشایند در میان مردم رواج یافت و ضرب‌المثل شد. تلگراف در بین مردم که بیشتر دکل‌ها و سیم‌های خطوط تلگراف را قطع می‌کردند، با وقوع انقلاب مشروطه اهمیت پیدا کرد؛ در غائله مشروطه خطوط تلگراف نقش مهمی در انتقال اخبار و رویدادهای سیاسی داشت؛ به علاوه، مردم معترض که امکان بست نشینی در سفارتخانه‌ها را نداشتند، برای تحصن به تلگراف‌خانه‌های اروپایی در ایران پناه می‌بردند.



مراحل سیم‌کشی و بلند کردن تیرهای تلگراف برای دایر کردن تلگراف خانه در کرمان- از مجموعه عکس‌های سرپرستی سایکس، تاریخ نامعلوم



چه تأثیری بر مناسبات اجتماعی، سیاسی و نظامی زمان خودش گذاشت؟

حکمرانی خط‌ها و نقطه‌ها

تلگراف، شروع‌کننده عصر ارتباطات دور برد بود. از طریق تلگراف، اخبار و اطلاعات اقتصادی، سیاسی و پیام‌های فوری نظامی رد و بدل می‌شد و به این ترتیب نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی نیمه دوم قرن نوزدهم ایفا کرد. به تبع تغییر در سرعت و بعد مسافت پیام‌رسانی، روابط بین‌المللی هم وارد حوزه جدیدی شد. از آنجایی که کشورهای مختلف از نظام‌های متفاوتی استفاده می‌کردند و برای حفظ اسرار پیام‌های تلگرافی سیاسی و نظامی رمز خاص خودشان را به کار می‌گرفتند، لازم بود پیام‌ها قبل از ارسال به کشورهای همسایه از طریق شبکه‌های تلگرافی، ترجمه شود و به رمز قابل فهم برای کشور متبوع دربیاید. این وسیله ارتباطی جدید، فاصله‌ها را از میان برداشته بود و برای استفاده بهتر از

کدام راه‌های ارتباطی را حذف کرد؟ کی و چطور حذف شد؟

پیروز بر نامه و مغلوب تلفن

ارسال پیام از طریق تلگراف به مراتب سریع‌تر از فرستادن نامه با پست بود. تلگراف در هر دقیقه می‌توانست ۱۰ کلمه مخایره کند. این سرعت الان خنده‌دار را با نامه‌هایی مقایسه کنید که روزها در راه می‌ماندند. کم‌کم تیرهای تلگراف، در همه نقاط دنیا بالا رفتند و روش‌های قدیمی ارتباطی یعنی سیگنال‌های دود و چراغ‌ها و تاب‌های نور، فراموش شدند. تلگراف سریع و محبوب اما مشکل بزرگی داشت و آن هم هزینه زیادش بود؛ مبلغ تلگراف کلمه‌ای حساب می‌شد و پیام‌های طولانی هزینه زیادی روی دست مردم می‌گذاشت؛ به همین دلیل بود که پیام‌های تلگرامی، با حداقل کلمات مخایره می‌شدند. به هر حال تا سال ۱۸۷۷، همه ارتباطات راه دور سریع به تلگراف وابسته بود تا این که فناوری رقیب توسعه پیدا کرد؛ رقیبی که دوباره صنعت ارتباطات را متحول کرد: تلفن!

تلگرام‌های سرنوشت‌ساز

در تاریخ تلگراف، پیام‌های زیادی به عنوان تلگرام رد و بدل شده‌است؛ اتفاقات مهم مملکتی، روزمره‌های از سرنوشتی، اخبار محرمانه و جاسوسی، عاشقانه‌های مختصر و پیام‌های سرنوشت‌ساز؛ این آخری، نمونه‌های شگفت‌انگیزی دارد، چندتایش را با هم بخواهیم:

■ پیام جنگ افروز

زمانی که آتش جنگ جهانی اول، اروپا را در خود می‌سوزاند، «وودرو ویلسن» برای دومین دوره متوالی و در سال ۱۹۱۶ به ریاست جمهوری آمریکا برگزیده شد. شعار انتخاباتی او این بود: «او ما را از جنگ دور نگاه داشت». ایالات متحده مدتی بود که روابط دیپلماتیک خود را با آلمان به دلیل حمله آن‌ها به زیر دریایی‌های آمریکایی قطع کرده بود و تمایلی نداشت خود را در باتلاق اروپا درگیر کند. یکی از عواملی که این بی‌میلی را

به عطش شدید شرکت در جنگ تبدیل کرد، یک تلگراف بود. «زیمرمن»، وزیر خارجه آلمان، در تلگرافی به سفیر کشورش در مکزیک نوشت تا زمانی که آمریکا بر خورد خنثی با جنگ دارد، آلمان از فرصت استفاده می‌کند، با مکزیک متحد می‌شود و کمک خواهد کرد که مکزیک، سرزمین‌های از دست‌رفته‌اش در ایالت‌های تگزاس، نیومکزیکو و آریزونا را پس بگیرد. یکی از این تلگراف به دست ویلسن رسید و چنین بود که کنگره آمریکا علیه سرزمین‌ارایش سوم اعلام جنگ کرد.

■ پیامی که هیتلر را به خودکشی کشاند

«هرمان گورینگ» از مشاوران امین هیتلر بود که نقشی اساسی در به قدرت رسیدن و تحکیم رژیم نازی داشت. نفوذ او تا حدی بود که برای مدت‌ها شخص دوم رژیم محسوب می‌شد اما با شکست نیروهای تحت فرمانش در عملیات جنگی، کم‌کم